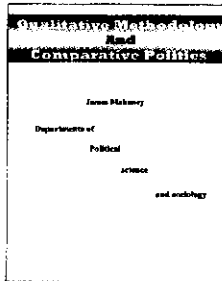


روش کیفی و سیاست های تطبیقی



با آغاز دهه ۱۹۹۰ حوزه سیاست های تطبیقی با موج بی سابقه استفاده از روش تحقیق کیفی و انتشار کتبی که به این روش پرداخته یا از آن بهره برده بودند روبرو گردید. هر چند که کارهای قبلی اغلب به روش کیفی به مثابه آخرین

مستمک و فن در صورت نامناسب بودن دیگر روش‌ها (مانند روش های آماری) می نگرستند، کر حاضر روی منافع بارز روش کیفی تأکید دارد که با کارهای تحقیقی در حوزه سیاست‌های تطبیقی همخوانی دارد. دانشجویان به سیاست‌های تطبیقی اغلب و به کرات بجای استفاده از روش‌های ترکیبی یا دیگر روش‌ها به سمت روش‌های کیفی روی آورده و معتقدند که این روش در پاسخ و پرداختن به سوالات واقعی مورد نظر مؤثرتر می باشد.

امروزه، محققان با استفاده از روش‌های کیفی به کاهش و بررسی کلیه موضوعات مهم سیاست های تطبیقی می‌پردازند. مطالعاتی که با دیگر روش‌ها مرتبط بوده نیز به اهمیت روش کیفی اذعان دارند. برای مثال، کارهای مستدل اغلب جهت تنظیم فرضیه‌ها و آزمون آنها به روش‌های کیفی متوسل می‌شوند که این نکته در حوزه سیاست‌های تطبیقی به حقیقت نزدیک تر است.

1. Qualitative Methodology and Comparative Politics. James Mahoney.
Departments of Political science and sociology. 2005

گرمی بازار استفاده از روش کیفی با انتشار مقالات عالی که به مسائل گوناگون مرتبط با شیوه های تطبیقی می‌پردازد همراه گردیده است.

این مقاله تلاش دارد که این مهم را با بررسی روش کیفی در دو حوزه وسیع تحقیقات به ترتیب تولید فرضیه و آزمون فرضیه روشن نماید. محقق در این زمینه به طور خاص روی جنبه ها و ابعاد روش کیفی که با تحلیل علی ارتباط دارد تاکید دارد، هر چند که کارهایی که در حوزه تحلیل تفسیری صورت گرفته را از نظر دور ندارد. از آنجا که تحلیل گران سیاست های تطبیقی تمایل دارند خارج از یک برنامه تحقیقی منفرد و محدود کننده کل کنند؛ ممکن است بطور ویژه مطالعات خود را بدون فرضیه های سهولت آزمون پذیر و به خوبی شکل گرفته آغاز کنند.

روش کمی نسبتاً در مورد روش های فرآیندی که تحلیل گران ممکن است برای تولید سری فرضیه های خود بهره برند سکوت اختیار نموده است. برای مثال دانشجویان سیاست های تطبیقی هرگز تکنیک های عمده ایجاد فرضیه در دروس آماری خود فرا نمی‌گیرند. در مقابل، روش کیفی ابزارهای لازمه برای تهیه سؤالات تحقیق و تولید فرضیه های آزمون پذیر را به دقت در اختیار قرار می‌دهد.

از طرفی، این روش تحقیق، ابزارهای شکل دهی مفاهیم، اندازه گیری و انتخاب موضوع را نیز فراهم می‌کند. لذا روی هم این موارد، کمک می‌کنند تا روش کیفی به ابزار مفیدی برای فرضیه در حوزه سیاست های تطبیقی تبدیل شود

تدوین فرضیه‌های بدیع

شاید کمتر کسی باشد که معتقد نباشد طی سال های متمادی بسیاری از جالب ترین فرضیه های بدیع و نوین در حوزه سیاست های تطبیقی توسط محققین روش کیفی ارائه شده است. ما در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم. تئوری مایکل (۱۹۹۹-۱۹۱۱) "مور کسی که می‌گوید سازماندهی همان اولیگارشسی است"، مور (۱۹۶۶) «دموکراسی بدون بورژوازی ممکن نیست»، یا اسکوپل (۱۹۷۹): «انقلابها ایجاد نمی‌شوند، بلکه خودشان (در زمان لازم) پدید می‌آیند».

مکتوبات در مورد روش کیفی- قدیم و جدید- قدم هایی در جهت تدوین رسمی فرآیند و شیوه هایی که در تدوین فرضیه‌های جدید وجود دارد برداشته است. شاید تکنیکی که به طور وسیعی در مورد آن بحث شده طرح "تحقیق موردی انحراف" باشد. موضوعات انحرافی مشاهداتی هستند با خروجی هایی که با پیش بینی‌های تئوریکی

تطابق ندارند. تحلیل گران کیفی به کرات این موارد را بطور جدی مطالعه می‌کنند تا دلیل این که آنها با تئوری‌ها مطابقت ندارند را بیابند. "مطالعات موردی انحراف کیفی" در سیاست های تطبیقی شامل کارهای خیلی شناخته شده و از تئوری بدیع می‌گردد. در عین حالی که تحلیل موضوعی انحراف تقریباً همواره با مشاهده کیفی بسته همراه است ولی می‌توان: آن را با خلاقیت با روش کمی ترکیب نمود. به ویژه می‌توان از تحلیل رگرسیون برای تشخیص موضوعات مجزا که با استفاده از روش های کیفی ارزیابی شده اند بهره جست.

مقایسه موارد جهت تدوین فرضیه حیاتی است و پیوه های کیفی مقایسه برای اینکار بسیار مناسب است. تحلیل گران کیفی خصیصه های چند وجهی موارد مطالعاتی را کنار یکدیگر قرار می‌دهند. این خصیصه‌ها شامل آنهایی می‌گردد که در طول دوره تحقیق و تحلیل‌ها کشف یا به طور برجسته در فرآیند مقایسه الگوهای متعدد خود را نشان داده اند. در این حال، تقریباً به عنوان یک محصول جانبی مقایسه‌ای، می‌توان متغیر های جدید را تدوین و به عنوان بخش های فرضیه های روشنگر معرفی کرد. در مقابل، در حالی که شیوه‌های آماری قطعاً و به طور نظامند جنبه های موضوعات مطالعاتی را با هم مقایسه می‌کند، اما، فاقد یک ابزار مشخص ایجاد فرضیه‌های جدید برای کشف متغیرهای جدید است.

نکته آخر این که روش کیفی در ایجاد فرضیه در حوزه سیاست های تطبیقی است زیرا امکان مطالعه اضافی داده‌ها را داده و به فرآیندهای موقتی توجه دارد.

مفاهیم و مقیاس‌ها

در ابداع فرضیه و خلاقیت تئوریکی مفاهیم نقش محوری دارند کشف توضیحات جدید یا پدید آمدن یک ابهام در تحقیق اغلب با تولید مفاهیم رابطه تنگاتنگی دارد. در حوزه سیاست‌های تطبیقی محققین به احتمال زیاد اندیشمندانی هستند که به تعاریف مفاهیم کلیدی این رشته توجه بسیاری دارند (برخلاف روش کمی).

این نکته را می‌توان با دقت در حجم مقالاتی که توسط محققان کیفی که روی مفاهیم خاصی تحلیل داشته اند در یافت. علاوه بر آن، با استفاده از تحلیل سنخ شناسی محققان کیفی به طور معمولی تمایزات مفهومی می‌یابند که نقش مهمی در تولید تئوری (فرضیه) سیاست های تطبیقی ایفا می‌نمایند.

مکتوبات روش شناسی، بر خی از دلایل این که چرا پیوستگی خاصی بین روش کیفی و توسعه مفاهیمی وجود دارد کشف نموده‌اند. یکی این واقعیت است که محققان کیفی یافته های مفهومی پذیرفته شده قبلی را با شواهد پر مایه بر گرفته از موضوعات مطالعاتی خود تطبیق و همسان می‌نمایند. رشد فزاینده ادبیات در زمینه مفاهیم نیز صرفاً گویای نوآوری مفهومی روش کیفی می‌باشد.

مضافاً این که، بررسی دقیق موضوعات مطالعاتی در روش کیفی به تحلیل گران تطبیقی در رسیدن به اعتبار ارزیابی، که هدف اصلی محققین کلیه رشته های علوم سیاسی است، کمک شایانی می‌کند. در سطح پایه ای، روش تحقیق کیفی برای ارزیابی خوب ضروری است، زیرا بر اساس گفته برادی (۲۰۰۴)، مقایسه کیفی واحد ساختاری اصلی هر روشی در ارزیابی و سنجش است در نهایت، محققانی که پیگیر روش کیفی می‌باشند به احتمال زیاد کمتر با خطای ارزیابی و سنجش داده ها و تحلیل غلط منابع دست دوم روبرو می‌شوند.

جامعه مطالعاتی و انتخاب موضوع

تقریباً کلیه فرضیه های علوم اجتماعی طوری طراحی شده اند که در برخی از موضوعات کار برد داشته باشند. لذا فرضیه های علوم اجتماعی دارای محدودیت «شرایط دامنه» بوده و برای تعمیم دهی آنها حد قائل است. در سال های اخیر، روش شناسان کیفی اقدام به تدوین راهنمای علی مفید نموده اند تا محققین هنگام تدوین این بخش از تئوری های خود مد نظر داشته باشند. نوشته های این محققین از بسیاری جهات در پاسخ به منتقدین در مورد انتخاب موضوع در تحقیقات آماری نگاشته شده است. نکته مهم این منتقدین این است که مطالعات کیفی یک متغیر وابسته را برگزیده و در نتیجه از مطالعه نمونه های دیگر غافل می‌مانند.

یک پاسخ محققین کیفی به این انتقاد آن است که می‌گویند تحلیل درون موضوعی با انتخاب موضوع در روش های آماری متفاوت است. بعلاوه ممکن است اسلوب شناسان کیفی روی این که چگونه فقدان واریانس متغیر وابسته یک سفسطه تئوریک برای مطالعاتی که علل ضروری را تحلیل می‌کند نباشد تاکید دارند. در نتیجه، تحلیل گران کیفی ممکن است متقاعد شوند که دغدغه آنها در مورد تعصب انتخاب در روش تحقیق یک سواستعمال ریشه ای فکری از تحلیل کیفی باشد.

اساساً، تحلیل گران کیفی معتقدند که نمونه های انتخاب شده از دل جامعه بزرگ مورد مطالعه، در مقابل تئوری های مورد علاقه آنها غیر متجانس اند. به همین دلیل آنها جامعه کوچکتری از موضوعات مورد نظر را انتخاب می کنند که شباهت کافی داشته و برای مقایسه مفهوم دار باشد. در واقع آنها تلاش می کنند تا جامعه انتخابی بتواند از عهده فرضیه های تجانس علی آن بر آید. تجانس در استنتاج علی می تواند به اشکال مختلفی صورت گیرد. علت آن نیز ممکن است این باشد که در موضوعات خارج از محیط اولیه، متغیر های ناشناخته و غیرقابل تحلیل حضور داشته و استنتاج علی ناپایدار آورد.

آزمون تئوری

تئوری ها در سیاست های تطبیقی، تا حدودی با موضوعات تجربی تدوین و آزموده می شوند. در کار آماری کلان، این امر که از موضوعات برای تدوین و آزمون تئوری ها استفاده می شود معمولاً شکل تلقی نمی شود، زیرا موضوعات خاصی که تئوری ها از آنها پدید می آید با جامعه کامل موضوعات مورد مطالعه که تئوری ها روی آنها آزموده می شوند، یکی نیست. هر چند این واقعیت کمتر درک شده، اما در یک روش خوب کیفی حقیقت دارد: به عبارتی مشاهدات موضوعات مورد مطالعه که به تدوین فرضیه منجر می شود با مشاهداتی که تئوری ها با آنها آزموده می شود یکی نیستند.

تحلیل درون موضوعی

تحلیل درون موضوعی سبکی از استنتاج علی است که در آن فرضیه های خود را از نقطه نظر مختصات چند وجهی موضوعات محک می زنند.

شاید شایع ترین کاربرد تحلیل درون - موضوعی در سیاست های تطبیقی تلاش جهت شناسایی مکانیسم رابطه ای که یک متغیر فرضی را به یک خروجی ربط می دهد باشد.

ممکن است محققان روش کیفی از تحلیل درون - موضوعی به شیوه های غیر از تحلیل فرآیند رابطه ای استفاده کنند. همچنین ممکن است یک فرضیه مفروض نتایج خاص دیگری را پیشنهاد کند که باید در صورت صحیح بودن فرضیه به دست آید.

تحلیل عرضی - موضوعی

در روش تحقیق کیفی نیز می توان از مقایسه عرضی برای ارزیابی فرضیه ها بهره برد. بحث های اولیه مربوط به تکنیک تحلیل های عرضی - موضوعات روی روش میل^۱ با نام روش های مشابه و مخالف و طرح های روش بیشترین شباهت و بیشترین اختلاف تونی^۲ (۱۹۷۰) تمرکز دارند. طی سال ها بسیاری از مطالعات تطبیقی از روش هایی استفاده کرده اند که تأیید کننده این تکنیک ها بوده است.

هر چند، در همین اواخر، سه گرایش موجب راندن بحث های مربوط به روش های عرضی در مسیرهای جدیدی شده است. نخست، تأکید روی تحلیل درون موضوعی موجب کم شدن اهمیت تکنیک های مقایسه ای عرضی شده است. دوم کشف روش میل به نام متغیر پیوسته و ملازم و کاربرد آن در مطالعات تطبیقی نشان داده است که برخی از محققان کیفی به دنبال یک نوع مقایسه وصفی عرضی که بتوان به عنوان یک استناد عینی مورد استفاده قرار گیرد.

سوم، تکنیک هایی مانند توافق و اختلاف، بسیار گسترده شده است و حتی توسط مطالعاتی که از روش علل ضروری و مکفی بهره برند کنار گذاشته شده اند. اطلاعات و بینش های به دست آمده در مورد علل ضروری و مکفی اسلوب شناسان را به طراحی مجدد روش های توافق و اختلاف آقای میل به عنوان ابزاری برای زدودن بالقوه علل ضروری و مکفی کنند. به خصوص می توان از روش توافق برای حذف بالقوه علل ضروری از روش اختلاف برای حذف بالقوه علل مکفی بهره برد. این روش ها قطعی هستند، از این نظر که حتی انحراف از الگوی فرضی ضروری یا علیت مکفی می تواند به حذف عامل گویا و بدیهی مفروض منجر شود.

تلفیق تحلیل های درون - موضوعی و عرض - موضوعی

هر چند در کتاب های چندی در مورد تحلیل های درون - موضوعی و عرض - موضوعی مطالبی نوشته شده اما کمتر مطلبی در مورد رابطه مهم این دو نگاشته شده است. یک دلیل آن این است که این دو روش آزمون فرضیه رابطه پیچیده متقابلی، به هم داشته و تعمیم کلی خاص رابطه آنها مشکل است. با این حال، می توان جمع بندی تجربی خاص از روابط آنها به دست آورد. از یک طرف، تحلیل درون - موضوعی می تواند

¹ Mill

² Tuene

فرضیه هایی که از قبل مقایسه موضوعات و در مراحل اولیه به دست آمده اند ارزیابی کند. از طرف دیگر، می توان نخست با کمک تحلیل عرض- موضوعی، به عنوان یک روش مکمل، رفت و یافته های آغازین را تا نیل به نتیجه بسط داد.

به هر حال، در عمل محققان کیفی که کار مقایسه موضوعات چندگانه را انجام می دهند می توانند بین تحلیل های درون - موضوعی و عرض - موضوعی در حرکت بوده و با تکرار به آزمون فرضیه های خود بپردازند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙو، شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی